

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پلتفرم جهانی ضد امپریالیستی
برگردان: مسعود امیدی
۲۱ نومبر ۲۰۲۳

«مبارزه فلسطینی‌ها جزء جدائی‌ناپذیر از مبارزه کل بشریت است»



پلتفرم جهانی ضد امپریالیستی: «مبارزه فلسطینی‌ها جزء جدائی‌ناپذیر از مبارزه کل بشریت است» [۱]

پلتفرم جهانی ضد امپریالیستی / سه شنبه ۱۷ اکتوبر ۲۰۲۳

همه ضد امپریالیست‌ها باید محکم و بدون شرم در کنار نیروهای مقاومت و آزادی‌بخش ملی بایستند. وقتی ریشه‌های مسأله فلسطین را درک کنیم، می‌توانیم بفهمیم که چرا حل آن بدون غلبه بر انگیزه امپریالیستی برای تسلط بر خاورمیانه غیرممکن است.

بیانیه زیر توسط پلتفرم جهانی ضد امپریالیستی صادر شده است.

در حالی که مردم فلسطین وارد آخرین مرحله مبارزه ۷۵ ساله خود برای آزادی از اشغال [همراه با] نسل‌کشی صهیونیستی می‌شوند، پلتفرم جهانی ضد امپریالیستی حمایت کامل و بی‌قید و شرط خود را از نبرد عادلانه دفاع از خود و رهانی ملی فلسطین قاطعانه اعلام می‌کند.

امروز این جنگ بار دیگر به درگیری علنی و مسلحانه تبدیل شده است. در زمان‌های دیگر از طریق راه‌های مسالمت‌آمیز – از جمله کارزارهای رسانه‌ای، تحریم، فعالیت‌های سلب سرمایه و تحریم‌ها (BDS) [۲]، دیپلماسی بین‌المللی، اعتراض توده‌ای و نافرمانی مدنی انجام شده است.

تدابیر مسالمت‌آمیز، باعث پیروزی فلسطینیان در دادگاه افکار عمومی و حقوق بین‌الملل شده است. صدها قطع‌نامه که با اکثریت قاطع مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسیده‌اند، قاطعانه از حقوق آن‌ها حمایت کرده و توجه را به جنایاتی که [اسرائیل] علیه آن‌ها مرتکب شده، جلب کرده‌اند. شرکت‌ها و مؤسسات خیریه در سراسر جهان از سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های شهرک‌سازی غیرقانونی و شرکت‌هایی که از اشغال غیرقانونی سود می‌برند، خودداری کرده‌اند.

سازمان ملل متحد بارها جهانیان را فراخوانده است تا برای متوقف‌ساختن اشغال غیرقانونی و تسهیل بازگشت آوارگان فلسطینی به خانه‌هایشان اقدام کنند. این سازمان بارها و بارها و به صراحت حق مسلم خلق فلسطین برای مقاومت به هر وسیله‌ای که لازم باشد، [رفع] اشغال سرزمین‌هایشان در برابر رژیم نژادپرستانه اعمال شده از سوی اشغال‌گران و وضعیت محاصره‌ای که تحت آن مجبور به مقاومت هستند، را به رسمیت شناخته است.

اما در جهان تحت سلطه امپریالیسم، اسرائیل صهیونیستی در عمل نشان داده است که مورد جداگانه‌ایست. وضعیت ویژه آن به عنوان یک [رژیم] تحت‌الحمایت ایالات متحده، به آن مصونیت بالفعل در برابر قوانین بین‌المللی داده است، قوانینی که خود را در برابر قدرت امپریالیستی ناتوان و بی‌ربط نشان داده‌اند. اسرائیل با نادیده گرفتن خواست اکثریت عظیم بشریت، با زیرساخت روابط عمومی غربی چنان تحت حراست واقع شده است که حتی در شرایطی که همه هنجارهای دموکراسی، قوانین بین‌المللی و شرافت انسانی را زیر پا می‌گذارد، مدام از سوی رسانه‌های شرکتی به عنوان «تنها دموکراسی در خاورمیانه» توصیف می‌شود.

صهیونیست‌ها با توجه به مصونیت حمایتی از سوی امپریالیسم انگلیس-امریکائی [۳]، به جای جلوگیری از اجرای پروژه شیرانه استعماری‌شان در پاکسازی قومی، به طور فعال مورد کمک آن‌ها بوده‌اند – از طریق بیرون راندن مردم بومی از سرزمین‌هایشان با اسلحه و ارائه سه گزینه به آن‌ها: ترک [سرزمین‌شان]، پذیرش وضعیت غیرانسانی موجود درجه سه (برده)، یا تلف شدن.

اما پروژه استعماری صهیونیستی برای موفقیت درازمدت احتمالی، خیلی دیر انجام شد. استعمارگران آن را در دوران رهائی ملی تأسیس کردند – دورانی که با اولین شلیک‌های انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ در روسیه افتتاح شد – ممکن است استعمارگران با قدرت آتش بسیار زیاد از سوی خود آن را شروع کرده باشند، اما آن‌ها هرگز به متقاعدکردن خلق بومی به تسلیم، نزدیک نبوده‌اند.

در حالی که بسیاری از فلسطینی‌ها در سراسر جهان پراکنده شده‌اند، اکثریت آن‌ها باقی مانده‌اند، نه وضعیت بردگی خود را پذیرفته‌اند و نه مطیعانه در حال ناپدیدشدن از صحنه هستند. در واقع، نسل جدید مبارزان مقاومت، مانند پدران و پدربزرگ‌هایشان و قبل از آن‌ها، به صراحت گفته‌اند که ترجیح می‌دهند روی پاهای خود بایستند تا روی زانوهایشان زندگی کنند.

با چنین روحیه‌ای، مهم نیست تاریخ چه فراز و نشیب‌هایی داشته باشد، چه دشواری‌هایی که باید بر آن غلبه کنند، پیروزی نهایی مبارزات رهائی‌بخش تضمین شده است.

ایجاد پایگاه شهرک‌نشینان استعمارگر اروپائی در خاورمیانه [اسرائیل] تصادفی نبود. پس از این که نیروی بحری بریتانیا در سال‌های اولیه قرن بیستم سوخت خود را به نفت تغییر داد، شروع به شکل‌دادن طرح‌ها کردند – درست

زمانی که دریافتند دریاچه‌های عظیم نفت در زیر شبه‌جزیره عربستان قرار دارند. مهاجرت صهیونیستی تحت نظارت استعمارگران انگلیس بلافاصله پس از جنگ جهانی اول آغاز شد.

تفکیک رسمی فلسطین و ایجاد «دولت یهودی» اسرائیل در سال ۱۹۴۸ با جنایات نازی‌ها علیه یهودیان اروپایی «توجیه» و با موجی از همدردی بین‌المللی به انجام رسید، اما صهیونیست‌ها بلافاصله نسل‌کشی خود را آغاز کردند تا زمینی را که به آن‌ها اعطا شده بود، از ساکنان فلسطینی پاکسازی کنند و تمام سرزمین‌هایی را که در تقسیم اولیه کشور به آن‌ها اختصاص داده نشده بود، تصرف کنند.

چیزی که باید اساساً در مورد اسرائیل درک شود، این است که اسرائیل یک ساخته‌مصنوعی از سوی امپریالیسم است. در اصل، «کشور» یا «ملت» نیست. یک پایگاه نظامی است که در خدمت منافع انحصارات نفتی بریتانیا و آمریکا، سازندگان و تأمین‌کنندگان مالی تسلیحات است. اروپایی‌هایی که در آنجا مستقر شدند، پیمانی شیطانی [۴] بستند: آن‌ها فرزندان خود را طوری تربیت می‌کردند که در ازای یک وضعیت ممتاز و ستندرد زندگی بهتری نسبت به همسایگان عرب خود، سگ‌های مهاجم گوش‌به‌فرمان مسلح امپریالیسم در خاورمیانه باشند و مردمان کل منطقه را پائین نگه داشته و به حفظ کنترل بر منابع آن‌ها کمک کنند.

هر نابرابری، هر قباحتی، هر توحشی از این پیمان سرچشمه می‌گیرد. امپریالیست‌ها نیروی جنگی ارزان و با انگیزه بالائی دارند، در همین حال رسانه‌ها و سیاستمداران غرب می‌توانند «همبستگی» خود را ابراز کنند، در حالی که هیچ‌گاه به دخالت یا مقصر بودن جنایات اسرائیل اعتراف نمی‌کنند.

پس از تحقیر بالاترین فداکاری فلسطینیان در جریان روند صلح اسلو در سال ۱۹۹۳، زمانی که نیروهای متحد سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) [۵] از حق خود بر ۷۸ درصد از فلسطین تاریخی در ازای به رسمیت شناختن و حق حاکمیت در مورد ۲۲ درصد باقیمانده صرف‌نظر کردند و [سند آن را] امضاء کردند، باید برای همه روشن شده باشد که اکنون تنها یک راه حل باقی مانده است. صهیونیست‌ها با تلاش برای گرفتن تمام فلسطین برای خود، پایان اسرائیل را تضمین کرده‌اند.

تا زمانی که یک کشور سکولار فلسطین تشکیل نشود، در خاورمیانه صلح برقرار نخواهد شد. کشوری که در آن همه در برابر قانون برابر هستند، در آن حقوق پناهندگان برای بازگشت به خانه‌هایشان نه تنها به رسمیت شناخته می‌شود، بلکه عملاً اجراء می‌شود، و در آن تمام ساختارها و سازوکارهای نژادپرستانه، آپارتاید به طور کامل نابود می‌شوند، به طوری که مسیحیان، مسلمانان، یهودیان و کسانی که اظهار بی‌دینی می‌کنند، می‌توانند با یکدیگر بر اساس شرایط برادری و برابری زندگی کنند.

اولین گام برای این امر، شکستن حمایت امپریالیستی آمریکا و انگلیس از دولت فاشیست، برتری‌طلب و آپارتاید اسرائیل خواهد بود. باید به مصنوعیتی که توسط حمایت امپریالیستی ایالات متحده در سازمان ملل متحد و رسانه‌های امپریالیستی [به اسرائیل] اعطا شده است، پایان داد.

بدون این حمایت امپریالیستی و چاه ویل بودجه امپریالیستی، روشن است که جامعه اسرائیل می‌تواند از تضادهای ذاتی خود جدا شود.

ما در پلتفرم از هر حرکتی در خاورمیانه که در جهت به انزوا کشاندن و نابودی پروژه شهرک نشینی-استعماری صهیونیستی گرایش داشته باشد، حمایت می‌کنیم. مقاومت در برابر سلطه امپریالیستی که نه‌تنها در فلسطین بلکه از سوی خلق‌های ایران، لبنان، عراق، سوریه و یمن صورت گرفت، موقعیت اسرائیل را در منطقه بشدت تضعیف کرده است، همان‌گونه که نزدیک شدن ایران و عربستان با میانجیگری چین نیز بشدت آن را تضعیف کرده است. [۶]

هرچه بتوان بر اختلافات ایجاد شده امپریالیستی بین خلق‌های خاورمیانه غلبه کرد، اسرائیل آسیب‌پذیرتر و منزوی‌تر و حمایت از مقاومت فلسطین قوی‌تر خواهد شد، مقاومتی که نه‌تنها برای رهائی آن‌ها بلکه به نمایندگی از کل منطقه انجام می‌شود که پیشرفت و توسعه آن ده‌ها سال به دلیل جنگ و سلطه امپریالیستی متوقف شده است.

مبارزه مردم فلسطین علیه نسل‌کشی مورد حمایت امپریالیست‌ها، بخش مرکزی مبارزه جهانی علیه سلطه امپریالیستی است. تمام بشریت مترقی باید به طور کامل و بدون قید و شرط از آن حمایت کند.

امروز اخباری از محاصره کامل میلیون‌ها نفر از ساکنان فلسطینی زندان روباز یعنی نوار غزه می‌شنویم. این مردم که از زمین‌ها و خانه‌های خود آواره شده‌اند و در پرجمعیت‌ترین مایل‌های کره زمین جمع شده‌اند، اکنون بدون غذا، آب، تجهیزات پزشکی یا برق نگهداری می‌شوند در حالی که بمب‌ها بر ساختمان‌های آپارتمانی مرتفع پر از خانواده‌هایی که دیگر جایی برای رفتن ندارند، می‌بارد.

فقط برای تأکید بر این نکته، حتی زمانی که سازمان ملل متحد خواستار ایجاد کریدورهای بشردوستانه برای امکان خروج غیرنظامیان بود، گذرگاه رفح بین غزه و مصر – تنها خروجی ممکن از نوار غزه – بمباران شد. بار دیگر سلاح‌های کیمیایی ممنوعه بین‌المللی از جمله فسفر سفید بر سر مردم ریخته شد. سازمان ملل متحد بار دیگر چنین ابزاری را غیرقانونی اعلام کرده و خواستار پایان محاصره شده است.

اما به‌رغم همه این‌ها، سیاستمداران و رسانه‌ها در غرب به جای بازخواست‌کردن، جنایات اشغالگران را تبرئه و پنهان می‌کنند. آن‌ها به منظور تلاش برای برابر نشان دادن مقاومت در برابر اشغالگران با ظلم اشغالگران، بار دیگر صفحات روزنامه‌های خود را با داستان‌های ترسناک ساختگی پر می‌کنند.

این چهره واقعی رژیم است که حتی در شرایطی که حامیان آن خواستار «محوکردن» دو میلیون زندانی غزه هستند، بر سرنوشت «غیرنظامیان» اشک تمساح می‌ریزد.

و این تراژدی واقعی کسانی است که به امپریالیسم به عنوان نیابت‌های فاشیستی آن در سراسر جهان خدمت می‌کنند: برای این که دیگران را غیرانسانی کنند، ابتداء باید خود را غیرانسانی کنند. این آن‌ها هستند که خود را حتی بیشتر از کسانی که آن‌ها را هدف قرار می‌دهند، در یک قفس آهنی گرفتار می‌یابند. آن‌ها هستند که با تربیت فرزندانشان به نفرت و کشتن، ذهن آن‌ها را با باور به تمایل پیچیده شده در نژادهای مسلط و تحت سلطه مسموم کرده‌اند. [۱۷]

آن‌ها محکوم به بیداری دردناکی هستند. تلاش آن‌ها بیهوده خواهد بود. ثابت خواهد شد که ابزارهای سرکوب فاشیستی که برای کنترل مقاومت فلسطین استفاده می‌شود، در نهایت به همان اندازه بیهوده هستند که در اوکراین، کوریای جنوبی، چیلی، آفریقای جنوبی و بسیاری از کشورهای دیگر در سراسر جهان بیهوده بوده‌اند.

در همین حال، وظیفه ما به عنوان ضدامپریالیست این است که به کارگران در همه جا کمک کنیم تا ماهیت واقعی این درگیری را درک‌کنند و موضعی در جهت ستمدیدگانی که مبارزه آن‌ها بخشی جدائی‌ناپذیر از مبارزه همه بشریت برای پایان‌دادن به سیستم وحشیانه در خدمت سرمایه‌داری – امپریالیسم است، بگیریم.

ما تأیید می‌کنیم که با فشار برای جرم‌انگاری هر ابراز حمایت از فلسطین که اکنون در سراسر غرب در جریان است، از این وظیفه منصرف نخواهیم شد.

مرگ بر امپریالیسم و نیابت‌های فاشیست آن در همه جا!

پیروزباد مقاومت!

<https://thecommunists.org/2023/10/17/news/world-anti-imperialist-platform-statement-11-palestine-solidarity/>

The Boycott, Divestment, Sanctions (BDS) [12]

جنبش بایکوت، سلب سرمایه و تحریم‌ها برای پایان‌دادن به حمایت بین‌المللی از ظلم اسرائیل به فلسطینیان و تحت فشار قرار دادن اسرائیل برای تبعیت از قوانین بین‌المللی. (م)

[13] و نیز سایر امپریالیست‌ها که مشاهده می‌شود و قبحانه تحت عنوان حق دفاع اسرائیل از خود، با آتش‌بس در غزه مخالفت کرده و با نسل‌کشی اسرائیل همراهی می‌کنند. (م)

Faustian pact [14]

معامله با شیطان (به انگلیسی: Deal with the Devil) (که پیمان با شیطان، معامله فوستی و معامله مفیستوفلسی هم گفته می‌شود) پیمانی است که بین یک شخص و شیطان یا یک دمون بسته می‌شود. به موجب این پیمان شخص یک چیز با ارزش اخلاقی یا معنوی مانند ارزش‌های شخصی یا روحش را در ازای برخی منافع دنیوی یا مادی مانند دانش، قدرت یا ثروت به شیطان می‌فروشد. این موضوع ریشه در افسانه دکتر فوست و شخصیت مفیستوفلس و باور سنتی مسیحیان به افسونگری دارد.

تصور عمومی بر این است افرادی که چنین پیمانی می‌بندند به شیاطین قول می‌دهند که کودکان تازه به دنیا آمده را بکشند یا آن‌ها را به شیطان تقدیم کنند (در قرون وسطی و دوره رنسانس به واسطه تعدد کودکانی که در بدو تولد جان خود را از دست می‌دادند بسیاری از دایه‌ها به این موضوع متهم می‌شدند...). (م، نقل از ویکی‌پدیا)

the Palestine Liberation Organisation (PLO) [15]

[16] اگر چه آنچه تحت عنوان کشورهای محور مقاومت، صف‌آرایی قابل‌توجهی را در منطقه در برابر صهیونیسم ایجاد کرده‌اند و از منظر سلبی نقش قابل‌توجهی در برابر سیاست‌های نژادپرستانه آن دارند، با این وجود این نقش سلبی مثبت لزوماً در حوزه‌ای نیز با رویکرد مثبت و آنچه در همین بیانیه به صورت زیر ارائه شده است، همراه نیست: «کشوری که در آن همه در برابر قانون برابر هستند، در آن حقوق پناهندگان برای بازگشت به خانه‌هایشان نه تنها به رسمیت شناخته می‌شود، بلکه عملاً اجراء می‌شود، و در آن تمام ساختارها و سازوکارهای نژادپرستانه، آپارتاید به طور کامل نابود می‌شوند، به طوری که مسیحیان، مسلمانان، یهودیان و کسانی که اظهار بی‌دینی می‌کنند، می‌توانند با یک دیگر بر اساس شرایط برادری و برابری زندگی کنند.»

تجارب زندگی اجتماعی و سیاسی در ایران نزدیک به نیم قرن پس از انقلاب سال ۵۷ و به قدرت رسیدن اسلام سیاسی نشان می‌دهد که تبعیض بر اساس تعلقات مذهبی و گرایش‌های سیاسی و... جزء جدائی‌ناپذیر از ساختار و ویژگی‌های شیوه حکمرانی حاکم بر ایران است. از این رو به هیچ وجه موضوع به این سادگی نیست که همه مخالفان تبعیض نژادی و آپارتاید اسرائیل (و به صورت مشخص حاکمیت ایران) لزوماً مدافع حقوق دموکراتیک و جامعه‌ای سکولار و عادلانه (چه برای فلسطین و چه برای ایران) نیز هستند. این نکته مهمی است که نباید از آن غفلت شود. (م)

Uber und Untermensch [17]